

مروری بر روابط ایران و سوئد در دوران صفویه

دکتر احسان اشراقی

استاد گروه تاریخ - دانشگاه تهران

در مقاله حاضر ضمن عرضه گزارشی درباره مسافرت علمی مؤلف به دعوت دانشگاه اوسالا و امثا در سوئد، به طور مختصر به روابط ایران و سوئد در عصر صفوی اشاره می‌شود. آغاز روابط ایران و سوئد در عصر شاه عباس اول صفوی بود و نخستین سوئدی که به ایران سفر کرد شخصی به نام بنکت اوکسن شرنا نام داشت. دشواری اصلی تحقیق درباره روابط ایران و سوئد در عصر صفویه، کمبود منابع و مدارک لازم است اما از دوره قاجاریه این منابع بیشتر در دسترس قرار دارند.

کلید واژه: ایران، سوئد، صفویان، روابط، تاریخ دیپلماسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در اوایل سال قبل بنا به دعوت دانشگاه‌های اوپسالا و اُما در کشور سوئد، عازم این کشور شدم و پس از ایراد سخنرانی در دانشگاه اوپسالا ضمن ملاقات با آقای پروفیسور اوتاس رئیس بخش ایران‌شناسی آن دانشگاه متوجه سفر نامه‌ای شدم مربوط به دوران صفوی که به سال ۱۱۷۹/۱۷۶۲ در استکهلم به چاپ رسیده است. نویسنده کتاب موسوم به لودویگ فابریتیوس^۱ که یک هلندی مقیم سوئد بود، در زمان کارل یازدهم از طرف این پادشاه مأموریت یافت. این سفرنامه قرار است زیر نظر پروفیسور اوتاس ابتدا به زبان انگلیسی و سپس به زبان فارسی ترجمه شود و با این ترتیب ما با کتاب دیگری درباره ایران عصر صفوی از دیدگاه مأموری از کشور سوئد قرن هفدهم میلادی آشنا خواهیم شد.

در حال حاضر به علت فقدان منابع لازم، ما اطلاع کمتری از روابط ایران و سوئد در دوران صفوی داریم. لیکن در نیمه دوم عصر قاجار به علت ورود مأمورین سوئدی که بیشتر از افسران نظامی بودند، مدارک دو زبانه‌ای وجود دارد که در ضمن آنها از نقش این افسران در بنیانگذاری ژاندارمری ایران و تنظیم امنیت طرق و شوارع کشور آگاهی یافته‌ایم.

آغاز روابط بین ایران و سوئد از زمان شاه عباس اول بود و این روابط بیشتر مربوط به اشخاصی است که یا به صورت سیاحت و یا مقاصد بازرگانی به ایران می‌آمدند. نخستین سوئدی که از ایران دیدن کرد. بنکت اوکسن شرنا^۲ معروف به «بنکت مسافر» بود که بین سال‌های ۱۰۲۵/۱۶۱۶ و ۱۰۳۰/۱۶۲۰ در ایران به سر می‌برد و در ضمن این مسافرت یک بازرگان سوئدی به نام «نیلس ماتسون کیوپینگ»^۳ او را همراهی می‌کرد. کیوپینگ دشوینگ بین سال‌های ۱۰۵۷-۱۰۶۷/۱۶۵۶-۱۶۴۷ در خدمت کمپانی هند شرقی هلند بود (به نقل از اسناد مصور اروپائیان، ص ۳۳۲) و به کشورهای متعددی در آسیا نیز سفر کرد و در کتابی که به سال ۱۰۶۷/۱۶۶۷ به چاپ رسانید مطالب مفصلی درباره ایران آورد که بعضی از آنها با اغراق و خیال‌پردازی آمیخته است و با وجود این چندین بار چاپ آن تجدید شده است.^۴

کیوپینگ در ضمن سفر خود به ایران در راه شیراز به اصفهان از تخت جمشید بازدید کرده و نظرات خود را درباره آن آثار تاریخی پرشکوه ابراز داشته است.^۵

این آمد و رفت مسافران و بازرگانان سوئدی به ایران عصر صفوی در وقتی صورت می‌گرفت که کشور سوئد هنوز در عرصه رقابت‌های تجاری داخلی نبود و هدف‌های اقتصادی و سیاسی خود را در در دنباله روی از هلند امکان‌پذیر می‌دانست و هلند که دامنه جاه‌طلبی‌های تجاری خود را تا هند گسترده بود، در خلیج فارس که منطقه‌ای استراتژیک در تجارت دریایی محسوب می‌شد با انگلیس که قدرت دریایی بزرگی محسوب می‌شد در تعارض بود و این تعارض به ویژه پس از اخراج پرتغالیان توسط شاه عباس از جزیره هرمز شدت بیشتری یافت.

در سال ۱۰۳۱/۱۶۲۲ (۲۷ ربیع الاول هجری قمری برابر با ۹ فوریه میلادی)، طبق توافقی که امام قلی خان سردار معروف شاه عباس با کمپانی هند شرقی انگلیس انجام داده بود، دوست قایق ایرانی با چند کشتی انگلیسی از بندر گمبرون سینه آب‌های خلیج فارس را شکافته به سوی جزیره هرمز روان شدند و در برابر آن‌ها لنگر انداختند.

سرداران معروف ایران که به فرمان امام قلی خان مأمور گرفتن هرمز شدند، با سپاه فراوان در بندر گمبرون اردو زدند و در روز ۲۸ ربیع الاول دو کشتی انگلیسی، سه هزار تن از سربازان ایرانی را در جزیره پیاده کرد و این عده بی درنگ به استحکام‌های خود پرداختند و شهر را به آسانی گرفتند و قلعه هرمز را به توپ بستند.^۶ و بدین ترتیب پس از متجاوز از یک قرن که از تجاوز پرتغالیان به جزیره هرمز و دیگر بنادر خلیج فارس می‌گذشت، بار دیگر حاکمیت ایران بر این مناطق برقرار گردید. پس از فتح جزیره هرمز و اخراج پرتغالیان، بین انگلیس و هلند به خاطر گرفتن امتیازات بازرگانی رقابتی سخت در گرفت. هلندی‌ها مدعی بودند که برای شرکت در جنگ هرمز با کمپانی هند شرقی انگلیس توافق کرده بودند اما انگلیسی‌ها پیشدستی کرده و کشتی‌های خود را در اختیار امام قلی خان گذاشتند و با استناد به وعده همکاری در اخراج پرتغالیان خواهان امتیازات بازرگانی و برقراری تجارتخانه در بندر عباس (گمبرون) شدند و با مزاحمت‌های پی در پی که برای انگلیسی‌ها در خلیج فارس به وجود آوردند و سرانجام با انعقاد قراردادی در سال ۱۰۳۳/۱۶۲۳ جای پای محکمی برای تجارت ابریشم در ایران به دست آوردند.^۷ که تا پایان حکومت صفوی ادامه یافت.

در سال‌هایی که کمپانی هند شرقی هلند بخش عمده‌ای از تجارت خارجی خود را در ایران متمرکز ساخته بود تعدادی از اتباع کشور سوئد با همکاری هلندی‌ها در امر تجارت به ایران آمدند اما نظر اصلی دولت سوئد از این آمدن‌ها ایجاد زمینه مساعدی به منظور برقراری روابط اقتصادی و سیاسی با ایران به ویژه در مورد تجارت پرسود ابریشم بود. در سال ۱۰۸۸/۱۶۷۷ لودویگ فابریتیوس سابق الذکر که یک هلندی کار آمد بود به دربار کارل یازدهم پادشاه سوئد مراجعه کرد و به او درباره خدمات خود در زمینه برقراری روابط تجاری با ایران پیشنهاد کرد. او می‌خواست ابریشم ایران را از مسیر روسیه، نووگراد، ناروا، سوئد و سپس لینگ آورده و به بازارهای اروپا ارائه دهد. این پیشنهاد مورد توجه کارل قرار گرفت و تصمیم گرفت او را در رأس هیأتی به ایران بفرستد.

در این سفر به توصیه یکی از حقوق‌دانان معروف سوئد موسوم به یوفندورف^۸ انگلبرت کمپفر^۹ سیاح معروف آلمانی به عنوان منشی و پزشک سفارت برگزیده شد و به همراه فابریتیوس عازم ایران شد. هیأت سفارت سوئد در بیستم ماه مارس ۱۰۹۵/۱۶۸۳ (دوران شاه سلیمان) از استکهلم به راه افتاد و پس از عبور از روسیه در هشتم نوامبر همین سال وارد ایران شد و چند روز بعد به حضور پادشاه صفوی رسید. کمپفر تشریفات ملاقات فابریتیوس سفیر سوئد با شاه سلیمان را به طور مشروح در سفرنامه خود آورده است.^{۱۰} در این ملاقات تشریفات علاوه بر سفیر سوئد و همراهان وی، سفیران پادشاه لهستان، فرانسه، روسیه و امیران گرجستان و چرکس نیز حضور داشتند. شاه مقدم سفیر سوئد را بیش از سایرین گرامی داشت زیرا او سفری طولانی را پشت سر گذاشته و حامل نامه‌ای از طرف پادشاه سوئد بود. کمپفر در مورد مضمون این نامه اشاره می‌کند که پادشاه سوئد از شاه سلیمان تقاضا کرده بود بین دو کشور روابط تجاری برقرار شود تا اتباع هر دو کشور از منافع آن بهره‌مند شوند و برای ایجاد تسهیلات موافقت شود تا حمل کالاهای طرفین به وسیله کشتی از طریق دریای خزر انجام گیرد و برای ساختن کشتی از درختان منطقه ساحل این دریا استفاده گردد و در مورد جنگ با عثمانی پادشاه سوئد متعهد شده بود سپاهی را به کمک قیصر آلمان و پادشاه لهستان برای حمله به عثمانی تدارک نماید و شاه ایران نیز با کمک نظامی خود این دولت‌ها را در جنگ یاری نماید.^{۱۱}

این سفارت فابریتیوس به علت دوری مسافت بین دو کشور و موانع داخلی ایران به نتیجه

مطلوب نرسید و دو سفر بعدی او نیز منجر به نتیجه‌ای نشد، لکن این مسافرتها و سفرهای دیگری که بعدها توسط نمایندگان و جهانگردان سوئدی به ایران صورت گرفت، رفته رفته به استحکام روابط بین دو کشور کمک کرد. شرح مسافرت فابریتیوس به ایران که حاوی اطلاعاتی وسیع در مورد ایران عصر صفوی است در سال ۱۶۷۲/۱۱۷۶ در استکهلم انتشار یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بی‌نوشت‌ها

1- Ludwich Fabristius.

2- Bengt Oxensterna.

3- Nils Matson Kioping.

۴- بخشی از اطلاعات مربوط به مسافران سوئدی ترجمه شده توسط آقای دکتر فضل هاشمی استاد دانشگاه اومئا در سوئد.

۵- دکتر عبدالحسین نوایی. ایران و جهان به نقل از اسناد مصور اروپائیان ص ۳۳۲.

۶- نصرالله فلسفی، روابط ایران و اروپا در عصر صفوی. جلد ۴ و ۵ ص ۱۵۵۱.

۷- همان اثر ص ۱۸۸۰.

۸- والتر هینتس، مقدمه سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، ص ۴.

۹- همان اثر، ص ۷.

۱۰- همان اثر: صص ۲۵۸-۲۶۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی